

گفتمان فقهی ریش تراشی در اسلام

عبدالقادر محمدی^۱

چیده

بررسی موضوع «تراش ریش» با هدف شناخت حکم شرعی آن ضرورت اساسی دارد؛ در این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی به پرسش: «حکم شرعی ریش تراشی چیست؟» پاسخ گفته شده است. حکم شرعی «تراش ریش» از دیدگاه کارشناسان و محققان دینی همواره مورد بحث و مناقشه واقع شده و سه رویکرد فقهی در آن مورد وجود دارد. اکثر میهان تشیع و تسنن با استناد به دلایل نقلی، حکم حرمت ریش تراشی را اظهار نموده اند. در مقابل، افراد دیگری، دلیل آنان را انکار نموده و عرف رایج ریش تراشی را تابع سنت تغییر پذیر معصومین (ع) دانسته اند. فتوای مرجع تقلید ریش تراش نسبت به تولید، خرید و فروش ابزار ریش تراشی و تعامل با ریش تراشان ملاک حرمت یا جواز ریش تراشی می باشد و صدور حکم کلی جواز یا حرمت در این مورد دشوار است. زیرا برخی از فقیهان، تولید ابزار ریش تراشی، خرید و فروش آن را ممنوع دانسته، اجرت تراش ریش را حرام شمرده و ریش تراش را جزء فاسقان قرار داده است، درحالیکه برخی دیگر، قائل به جواز تراش آن است.

واژگان کلیدی: فقه. حرمت. کراهت. جواز. فقیهان. مذاهب اسلامی. ریش تراشی.

۱. دکترای فلسفه و عرفان اسلامی، استاد حوزه علمیه صادقیه کابل؛ جامعه المصطفی العالمیه افغانستان

مقدمه

حرمت تراش ریش، کراهت یا جواز آن به عنوان احکام فقهی مورد گفتگوی محققان بوده است. دست‌یابی به پاسخ «حکم شرعی تراش ریش چیست؟» با هدف شناخت حکم شرعی ریش تراشی به عنوان فعل مکلف (در ارتباط با احکام تکلیفی فقهی) اهمیت فراوان دارد. قدمت حکم شرعی «ریش تراشی» به خلقت انسان بازمی‌گردد و حکم تکلیفی آن در شریعت اسلامی خاستگاه روایی دارد (صدوق، ۱۳۶۹، ۱: ۲۱). پس از آن آراء فقیهان تشیع و تسنن و محققان غیر فقیه که از حکم شرعی «ریش تراشی» سخن گفته اند پیشینه‌ی پژوهش به‌شمار می‌آید (بحرانی، بی‌تا، ۵: ۶۲۵). قائلان حرمت تراش ریش مخالفان ریش تراشی نامیده شده و قائلان کراهت تراش ریش و جواز تراش آن را موافقان ریش تراشی یاد نموده ایم. برخی از فقیهان معاصر و محققان غیر فقیه، جزء موافقان ریش تراشی به‌شمار می‌آیند. محققان غیر فقیه که موافق ریش تراشی اند در برابر قائلان حرمت ریش تراشی موضع منفی گرفته و دلالت دلائل حرمت ریش تراشی مانند آیات و روایات را (به‌زعم خود) به‌چالش کشیده است.

بنابراین، نخست دلائل گروه مخالف ریش تراشی و قائلان به حرمت، بررسی می‌شود، سپس آراء و دلائل موافقان ریش تراشی تبیین می‌گردد و سرانجام دلائل دو جانب مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

مفهوم شناسی

۱. تعریف و تعیین دایره ریش

از نظر لغت‌نگاران «لَحی»، به استخوان چانه‌ی انسان استعمال شده است و «لحیان» به صورت تشبیه نام استخوان دو طرف صورت می‌باشد که بر پوست آنها ریش می‌رُوید. از این رو، «الْلَحْيَة» اسم موی صورت است که برگونه و چانه‌ی انسان می‌روید (ابن منظور، ۱۴۰۹، ۱۵: ۲۴۳).

براین اساس، حکم تراش موهای دو طرف صورت و نیز چانه (ذقن یا فک اسفل) از



دیدگاه فقه متناظر به محل روئیدن لغوی ریش، بررسی می‌شود. حکم حرمت تراش، کراهت یا جواز تراش آن در آراء فقیهان، متناظر به معنای لغوی ریش و جای روئیدن آن می‌باشد.

دلایل قائلان حرمت ریش‌تراشی در مذهب اهل بیت

اکثر فقیهان پیشین و معاصر تشیع و تسنن از مخالفان ریش‌تراشی بوده و فتاوی آنان نشانگر حکم حرمت ریش‌تراشی است. اغلب آن‌ها این مسأله را در ضمن دیگر مسائل فقهی بیان داشته و برخی دیگر این موضوع را جداگانه بررسی نموده و دلایل آن را بیان نموده است.

۱. حرمت ریش‌تراشی متناظر به منطوق روایات پیامبر

روایات پیامبر (ص) نخستین دلیل مخالفان ریش‌تراشی به‌شمار می‌آید که اغلب آن‌ها با واژگان «اعفوا، اوفوا، ارخوا، ارجوا، ووفروا للهی» بیان شده است. همه‌ی این واژگان به معنای واگذاری «ریش» به حال خود و تراش نکردن آن است (ابوزکریا، ۱۴۰۸: ۹۰). تعداد این روایات در برخی منابع شیعی بیست و شش روایت ذکر شده است (استادی، ۱۴۱۵: ۱۳۹)؛ ولی در جستجوی نرم‌افزاری که از ۸۴۰۳ منبع تشیع و تسنن صورت گرفت حدود ۲۰۰، روایت با اندک تفاوتی در این زمینه به‌دست آمد. منطوق این روایات که مورد استدلال معتقدان حرمت تراش‌ریش واقع شده دستور به ریش‌گذاشتن داده و از مفهوم آن‌ها حرمت تراش‌ریش استفاده شده است. باتوجه به این که نهی و ممنوعیت تراش‌ریش از مفهوم این روایات به‌دست آمده، در این جا به نقل برخی از آن‌ها بسنده می‌گردد.

روایت نخست در مورد حرمت تراش‌ریش، از منابع شیعه و سنی نقل شده است؛ هرچند که جملات و الفاظ آن در منابع شیعه تقدم و تأخر دارد، ولی در معنا و سند تفاوتی دیده نمی‌شود. منطوق این روایات که در منابع شیعه و سنی ذکر شده بیانگر ریش‌گذاشتن و افزودن ریش است و مستلزم حرمت تراش آن می‌باشد.

۱. قال رسول الله (ص): «أحفوا الشوارب و أعفوا اللحی» (بخاری، ۱۴۱۰، ۷:



۲۰۶؛ احسائی، ۱۴۰۵: ۵۰). سیل‌های خود را کوتاه نمائید (یا بتراشید) و ریش خود را بگذارید.

در این روایت دو فعل امر به کار رفته که فعل نخست از ریشه «حفا یحفوا» می‌باشد و در مورد «شارب» به معنای کم کردن زیاد یا تراشیدن آمده است. فعل دوم عبارت است از «اعفوا»، که از «عفو» یا «عفی»، گرفته شده و به معنای گذاشتن ریش است.

۲. قال رسول الله حفوا الشوارب و اعفوا اللحي و لاتشبهوا باليهود (صدوق، ۱۳۶۹، ۲۱: ۱). شارب (سیل‌ها) را تراش نمائید و ریش را بگذارید، خود را شبیه یهود ننمائید. باتوجه به این که روایت دوم مرسله است برخی از معتقدان حرمت تراش ریش نیز به این نکته اشاره نموده و پذیرفته است که روایت مذکور را شیخ صدوق، علامه، و شهید به صورت مرسله نقل نموده اند، ولی در دفاع از این مشکل گفته است که روش علامه و شهید این گونه بوده که روایات را بدون ذکر سند و به صورت مرسل نقل نموده اند.

به هر حال، نقل روایت مرسله توسط آنان، به ویژه از طرف شیخ صدوق، در حجیت آن مشکل ایجاد نمی‌کند، زیرا شیخ صدوق در آغاز کتاب الفقیه خود را ملزم به نقل روایاتی می‌داند که به آن عمل می‌شود، و مورد اطمینان وی است (استادی، ۱۴۱۵: ۱۴۰).

۳. «عن رسول الله (ص): اخفوا الشوارب و اعفوا اللحيه و لا تشبهوا بالمجوس» (مجلسی، ۱۴۰۲، ۷۶: ۱۱۱).

از رسول خدا روایت شده است که فرمود: شارب را مخفی (و کم) نمائید، ریش را بگذارید (نتراشید) و خود را شبیه مجوس ننمائید!

روایت سوم نیز در منابع روایی شیعی از پیامبر نقل شده و با اندک اختلاف در لفظ، منطوقاً بیانگر ریش گذاشتن است و به لحاظ مفهومی اجتناب تراشیدن ریش به دست می‌آید.

استدلال قائلان به حرمت تراش ریش از روایات مذکور و دیگر روایاتی که در این



جا ذکر نگردیده این است که منطوق این روایات با شکل و هیئت واژه امر «اعفوا» دلالت برگذاشتن ریش دارد؛ اما از مفهوم آن‌ها «حرمت تراش ریش به دست می‌آید»؛ زیرا تراش ریش مخالف گذاشتن آن است که در روایات به آن امر شده است.

به هر حال، روایاتی که از پیامبر (ص) در این زمینه نقل شده، در مرتبه‌ی «استفاضه» بلکه قریب به تواتر اند. در سند برخی از این روایات امام علی (ع) و فرزندش امام حسن (ع) نیز وجود دارند (استادی، ۱۴۱۵: ۱۴۸).

بنابراین، ضعف سندی برخی از روایات دیگر با این دسته روایات جبران خواهد شد، زیرا منطوق و مفهوم همه آنها حکم واحدی را بیان می‌کنند. منطوق این روایات بیانگر گذاشتن ریش بوده و مفهوم شان بر حرمت تراش ریش دلالت دارند.

۲. استنباط حرمت ریش‌تراشی از مفهوم روایات

دلیل دوم معتقدان حرمت تراش ریش، روایاتی است که به طور ضمنی و مفهومی حرمت تراش ریش از آن‌ها به دست می‌آید. هفت روایت از منابع شیعه و سنی در رابطه با حرمت «نتف» و کندن ریش نقل شده و علت حرمت «کندن ریش» نابودی «شیب» (یعنی نابودی موهای سفید صورت) گفته شده است که با ملاک اولویت، حکم حرمت در مورد قطع و تراشیدن ریش به طریق اولویت جریان می‌یابد (همان، ۱۴۰).

۱-۲. حرمت ریش‌تراشی در روایات اهل بیت

روایات اهل بیت به عنوان دلیل سوم مخالفان ریش‌تراشی یاد شده که در آن‌ها از کندن موی (سفید صورت) نهی شده است و با معیار اولویت شامل ممنوع بودن تراش و قطع آن نیز خواهد شد. برخی از قائلان، حرمت تراش ریش به سه روایت اهل بیت استدلال نموده است، بخشی از این روایات که با این موضوع تناسب دارد، در این جا تبیین می‌شود.

۱. شیخ صدوق در کتاب خصال از ابی بصیر و او از امام صادق نقل نموده است که امام (ع) فرمود: خداوند با سه طائفه در روز قیامت سخن نمی‌گوید و برای آن‌ها عذاب دردناک است [از جمله] با «کسی که موی سفید [صورتش] را می‌کند»



(صدوق، ۱۳۶۲، ۱: ۱۱۴).

باتوجه به دو نکته اساسی در این روایت که عبارت است از عدم توجه آفریدگار به انسان ریش تراش در قیامت و وعده‌ی عذاب برای کسی که موی سفید صورتش را می‌کند، حرمت تراش آن ثابت می‌گردد. زیرا عذاب سنگین و دور بودن از توجه و رحمت خداوند مربوط گناهان بزرگ است. بنابراین، ناتف (کسی که موی صورتش را می‌کند) و ریش تراش نیز در ردیف انجام دهندگان چنین گناهان خواهد بود، لذا برای آن‌ها وعده‌ی عذاب داده شده است.

۲. روایت دیگری را مرحوم صدوق در خصال از امام علی (ع) نقل نموده است که حضرت فرمود: موی سفید [صورت] را «نکنید» زیرا نور مسلمان است (استادی، ۱۴۱۵: ۱۵۰).

براین اساس، مسلمان نباید کاری انجام دهد که به علامت مسلمانی او ضرر وارد گردد، ریش نشانه و علامت ایمان مسلمان است، ازاین‌رو، نباید مرد مسلمان علامت مسلمانی خود را محو نماید تا از خشم الهی و عذاب اخروی دور بماند

۳. روایت سوم نیز از امیر المؤمنین امام علی (ع) نقل شده که خلاصه‌ی آن چنین است: امام علی (ع) در «الشرطه الخمیس»^۱ با «ذره (تازیانه دوسر) مردی را می‌زد که «مار ماهی» و «ماهی جری» و «زمار» (ماهی‌های بی‌فلس) [می‌فروخت] و امام (ع) می‌فرمود: «ای فروشندگان مسخ شدگان بنی اسرائیل و جند بنی مروان» آنگاه حضرت در پاسخ «فرات» نام که در مورد جند بنی مروان سوال نمود، فرمودند: «... جند بنی مروان، اقوامی بودند که «ریش را می‌تراشیدند، و سبیل‌ها را تاب می‌دادند (بلند می‌گذاشتند) لذا مسخ شدند (کلینی، ۱۴۲۹: ۲: ۱۷۸).

هرچند منطق روایت اول و دوم، کندن موی سفید صورت را ممنوع دانسته است؛ اما حرمت تراش موی سفید صورت با ملاک اولویت، فهمیده می‌شود.

حرمت تراشیدن ریش در روایت سوم که سندش نیز معتبر گفته شده از مسخ شدن اقوام مذکور [به خاطر عمل تراش ریش] استفاده شده است. زیرا که مسخ [در آن

۱. به پیشقراولان لشکر، یا دژبانی شرطه الخمیس می‌گفتند (المنجد).



زمان] فقط بسبب انجام عمل حرام شدید صورت می‌گرفت (استادی، ۱۴۱۵: ۲۹۶). بنابراین، تراش‌ریش اکنون نیز مانند آن زمان حرام بوده و عقاب اخروی (عوض مسخ شدن) را به دنبال خواهد داشت.

۲-۲. تناسب ریش با فطرت انسانی مردها

روایتی در مورد کوتاه نمودن شارب (سبیل) و باقی گذاشتن لحيه وجود دارد که محاسن و ریش را متناسب با ساختار طبیعی بدن مردها دانسته و تراشیدن آن را تشبیه به زنان و مباین با فطرت مردان شمرده است. در منابع روایی از حکمت ریش گذاشتن نیز سخن گفته شده که عبارت است از متناسب بودن ریش با فطرت مردها. «... ما (أهل بیت) شارب‌ها را کوتاه می‌کنیم و لحيه را باقی می‌گذاریم و این مطابق فطرت است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۶: ۱۱۲).

۳. حرمت ریش‌تراشی در سیره متشرعه

دلیل چهارم معتقدان حرمت تراش‌ریش، سیره‌ی متشرعه است که بیانگر ریش گذاشتن می‌باشد. [اغلب] متشرعه (مسلمین) از آغاز اسلام تا کنون تراشیدن ریش را جزء منکرات می‌دانستند و خود شان نیز ریش نمی‌تراشیدند. [هر چند مسلمانان غیرمتدین به پیروی از هوای نفس که حدود شرع را رعایت نمی‌کنند ریش می‌تراشند]. [با توجه به این که عمل حرام ریش‌تراشی، یا تمسخر ریش داران موجب تغییر حکم شرعی حرمت تراش‌ریش نمی‌گردد]، سیره‌ی متشرعه در مورد ریش گذاشتن، کشف می‌کند که تراش‌ریش در شریعت حرام است (استادی، ۱۴۱۵: ۱۵۵).

۴. عدم فتوا بر جواز ریش‌تراشی

فتوا ندادن [اکثر] فقیهان بر جواز تراش‌ریش، از یک طرف، [ادعای] اجماع [اغلب] آنان به حرمت تراش‌ریش از سوی دیگر، دلیل دیگر قائلان حرمت ریش‌تراشی به شمار می‌آید (همان).

۵. حرمت ریش‌تراشی در آراء فقیهان پیشین شیعه

نخست، آراء و فتاوی فقیهان معروف پیشین شیعی به عنوان دلیل پنجم قائلان حرمت



ریش تراشی تبیین می‌گردد، سپس فتاوی فقیهان معاصر شیعی که دلیل ششم قائلان حرمت ریش تراشی است، ارائه خواهند شد.

روایاتی را که برخی از فقیهان نقل نموده اند، علی‌رغم اختلاف در اجمال و تفصیل، بیانگر حرمت ریش تراشی است، شیخ بهائی این مسأله را اجماعی دانسته است. فتوای دیگر فقیهان بزرگ مانند «یحی بن سعید حلی»، «فخر المحققین»، «شهید اول»، «شیخ بحرانی»، «حرعاملی»، «کاشانی»، «کاشف الغطاء»، «صاحب جواهر»، مؤید این مدعاست و شبهه‌ی جواز تراش ریش را برطرف می‌کند (همان). براین اساس، برخی از فقیهان، فتوا ندادن مجتهدان مشهور بر جواز تراش ریش و اجماع آنان را بر حرمت ریش تراشی دلیل مهم شمرده و معتقد است که حرمت آن مورد اتفاق فقیهان می‌باشد.

فتوای جماعتی از عالمان بر حرمت تراش ریش - به گونه‌ای که هیچ اشاره‌ی به اختلاف دیگران و یا شبهه در این مورد نکرده اند، در حالی که مسائل مورد اختلاف را با صراحت بیان [یا نقد] می‌نمایند - هرگونه ابهام حرمت تراش ریش را برطرف می‌کند (همان).

۱. برخی از این فقیهان پس از نقل فتوای دیگران، می‌گویند در مورد جواز تراشیدن ریش دلیلی وجود ندارد و استنباط حرمت ریش تراشی را از آیه تغییر خلقت نیز ممکن دانسته است.

جماعتی از فقیهان شیعه به تحریم تراشیدن ریش فتوای داده اند: به‌طور کلی، دلیلی بر جواز (تراش) وجود ندارد، بلکه حرمت آن در آیه تغییر خلقت داخل است، همانگونه که فقیهان از ظاهر آیه حرمت (تراش) را استدلال کرده اند [زیرا تراشیدن ریش نیز نوعی تغییر در خلقت به‌شمار می‌آید] (بحرانی، بی‌تا، ۵: ۶۲۵).

هرچند استدلال حرمت تراش ریش از آیه فوق بعید شمرده شده و اشکال‌هایی از جانب محققان غیر فقیه که خود جزء مخالفان ریش تراشی است در مورد استدلال حرمت ریش تراشی از آیه مذکور نگاشته شده. همچنانکه موافقان ریش تراشی برداشت حرمت ریش تراشی از آیه تغییر در خلقت مخلوقات را مردود شمرده است؛



زیرا تراشیدن ریش، تغییر خلقت به شمار نمی آید.

۲. فقیه دیگری نیز بدون ذکر نظر مخالف در مورد حرمت ریش تراشی ادعای اجماع نموده است: تراشیدن ریش به اجماع فقیهان حرام است (منتظری، ۱۳۷۸: ۱۴). باتوجه به دوفتوای فوق (که یکی حکم حرمت تراش را بعد از نسبت دادن به جماعتی از فقیهان، خود نیز قائل به حرمت است و دومی به طور صریح حکم مذکور را اجماعی شمرده) می توان گفت که بر فرض عدم وجود اجماع همه عالمان دینی، جمعی از فقیهان بزرگ در این زمینه فتوای حرمت ارائه نموده اند.

۳. برخی دیگر نیز به همان روایات که قبلاً در قسمت مبانی نظریه حرمت تراش ریش ارائه گردید تمسک نموده و حکم حرمت را استنباط نموده است «... امام علی (ع) فرمود ریش را بگذارید و شارب را کم نمائید (الحلی، ۱۳۷۰، ۱: ۴۲).
۴. فقیه دیگری پس از حرام دانستن هلاکت و نابود کردن نفس انسان بی گناه همچنین ممنوع شمردن اذیت و ضرر رساندن بر جان و نفس خود و دیگران، تراشیدن ریش را نیز ممنوع دانسته که مفهوم سخن ایشان حرمت تراش آن است (ابن ابی جمهور، ۱۴۱۰، ۱: ۵۶).

۵. برخی دیگر علاوه بر فتوای حرمت تراشیدن ریش، گذاشتن و مقدار ریش را نیز تعیین نموده و معتقد است که ریش به اندازه یک قبضة دست مستحب است (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲: ۱۹۰).

۶. حرمت ریش تراشی در آراء فقیهان معاصر شیعه

فقیهان مشهور معاصر در رساله های عملیه و آثار دیگر خویش از حرمت تراش ریش سخن گفته و در پاسخ پرسش های این موضوع تفصیل بیشتری ارائه نموده اند. امام خمینی، آیت الله خامنه ی و آیت الله بهجت تراشیدن ریش را به طور کامل یا برخی از آن را مانند ریش پرفسوری، باتیغ یا ماشین بنابر احتیاط واجب حرام دانسته اند (خمینی، ۱۳۷۱، ۲: ۳۰). خامنه ی، ۱۳۸۱: ۳۱۵). هر چند آیت الله خوئی و آیت الله مکارم تراش برخی از ریش را (مانند ریش پرفسوری) جایز دانسته اند.

فقیه معاصر دیگر آیت الله منتظری هر چند که موضوع حرمت تراش ریش را مشهور



و مورد اجماع شیعه و سنی دانسته، اما سرانجام دیدگاه متفاوتی را اظهار نموده است (منتظری، ۱۳۷۸: ۱۱۵).

آیت الله منتظری پس از بحث طولانی در این مورد، فتوای خودش را بیان داشته و معتقد است که اصل اولی جواز تراش ریش می‌باشد، ولی باتوجه به اخبار زیاد که در رتبه‌ی استفاضه قرار دارند به‌گونه‌ی که باعث اطمینان می‌شود که دستور ریش گذاشتن از پیامبر (ص) صادر شده، احتیاط اجتناب از تراش ریش را بر اصل جواز تراش آن مقدم نموده است (همان).

به‌هرصورت، در تحقیقی نرم افزاری از منابع فقهی معاصر حدود ۱۰۰ مورد احتیاط واجب راجع به حرمت تراش ریش مشاهده شد. همچنانکه برخی از محققان اتفاق آراء مجتهدان معاصر را در مورد حرمت تراش ریش ارائه نموده است: «همة مراجع تراشیدن ریش را بنابر احتیاط واجب حرام می‌دانند، به‌جز برخی از مجتهدان مانند بهجت و صافی که بر حرمت تراش آن فتوای واجب صادر نموده اند».

آیت الله منتظری و آیت الله فضل الله از فقیهان معروف معاصر در مورد حکم حرمت تراش ریش که مشهور فقیهان شیعی معتقد اند، تردید نموده اند. هرچند منتظری در نهایت جانب احتیاط را برگزیده و جایز نبودن تراش ریش را ترجیح داده است. علامه فضل الله در عین حال که ریش گذاشتن را جزء شعائر و نشانه‌ی ایمان شخص مؤمن شمرده جواز تراش آنرا خالی از اشکال گفته است. به‌هرحال، آراء فقیهان قائل به جواز تراش ریش در قسمت آراء موافقان ریش تراشی تبیین خواهد شد. در برابر معتقدان به جواز تراش ریش، فقیهان دیگری قرار دارد که ادله‌ی حرمت تراش ریش را مُسَلَّم و قطعی دانسته و سیره‌ی عملی معصومین و اولیاء خدا را به‌عنوان دلیل دیگر یاد آور شده است.

«... مضافاً بر ادلة عدم جواز تراشیدن ریش از کتاب، سنت، عقل سلیم و اجماع تمام، می‌توان سیره‌ی تمام انبیاء رسولان الهی، اوصیاء معصومین (ع) مراجع تقلید را دلیل قرار داد که هیچ‌یک از آنان محاسن خود را نتراشیده اند که اگر جایز بود می‌تراشیدند». «[براین اساس] هر مرد مسلمان به تبعیت از آنان نباید محاسن خود



را بتراشد، تراشیدن ریش، فعل حرام است و دارای عقوبت اخروی می باشد... کسی با علم به حرمت بر تراشیدن آن، اصرار دارد فاسق به شمار می رود اگرچه به احکام دیگر اسلام عمل کند، غیبت در باره او حرام نیست... و شهادت ریش تراش (با علم به حرمت) در مواردی که عدالت شرط باشد قبول نمی باشد...» (رستگاری جویباری، ۱۳۷۵، ۲: ۶۲-۶۳).

دلایل حرمت یا کراهت ریش تراشی در فقه مذاهب تسنن

مذاهب چهار گانه ی اهل سنت نسبت به تراشیدن ریش اختلاف نظر دارند. برخی تراش ریش را حرام دانسته و برخی دیگر به کراهت آن معتقد است. در این قسمت به تبیین آراء این مذاهب می پردازیم سپس مبانی آنان بررسی خواهد شد. آراء مذاهب حنفی، مالکی، وحنبلی، در مورد حرمت تراش ریش، با آراء مشهور فقیهان شیعی همخوانی دارند، اما رأی مذهب شافعی در این خصوص متفاوت بوده و قائل به کراهت تراش ریش است.

حکم کراهتی یا مکروه شریعت در مورد رفتار و اعمال انسان به این معناست که چنین حکمی مجازات اخروی ندارد، ولی مورد رضای خداوند سبحان نیست. برخلاف حکم حرام الهی که در صورت ارتکاب آن مجازات الهی را در پی دارد.

۱. مذهب شافعی

تراشیدن و کوتاه کردن زیاد ریش را عالمان شافعی مکروه دانسته و معتقد اند هرگاه ریش بیش از یک قبضة (دست) باشد، می توان به خاطر مساوی نمودن آن را اصلاح کرد.

تراشیدن ریش و کوتاه نمودن زیاد آن مکروه است، هرگاه بیش از قبضة دست باشد، امر آن آسان است به خصوص زمانی که [با تراش یا اصلاح] برابر نمودن ریش، یا پهن کردن آن مترتب گردد (الجزیری، ۱۴۲۴: ۵۰).

سؤال مهم این است که چگونه رای به کراهت تراش ریش، با روایات که دستور به ریش گذاشتن داده قابل جمع است؟ پاسخ این سؤال را می توان با مراجعه به دیگر

منابع شافعیان تبیین نمود. این مذهب، از این موضوع آگاه بوده و از روایات موجود در این مورد چشم پوشی نکرده است. بنابراین، مذهب شافعی به توجیه روایاتی پرداخته که به ریش گذاشتن دستور داده و امر در این مورد را به معنای استحباب ریش گذاشتن دانسته است.

در عین حال، باید گفت برخی محققان بر نگرش کراهت تراش ریش اعتراض نموده؛ زیرا با سخن «شافعی» در کتاب «أم» که بر حرمت تراش ریش تصریح نموده، سازگار نیست. (عمل پیامبر (ع) در مورد اصلاح ریش) نزد ابن حبان صحیح شمرده شده و (کار پیامبر) مورد استناد ابن عمر [نیز] قرار گرفته است که ایشان (ابن عمر) ریش خود را بدست می گرفت و مازاد از دست را کم می کرد (ابن حجر الهیثمی، ۱۳۵۷، ۹: ۳۷۶).

ولی در صحیحین امر به زیاد نمودن ریش و کم نکردن آن ثابت شده است. بنابراین، امر به زیاد گذاشتن نسبت به روایت اول تقدم دارد. زیرا، روایت (دوم) صحیح تر است (با این وجود) امکان دارد دستور به گذاشتن ریش در حدیث (دوم) مستحب باشد. از این رو، شیخین گفته اند که تراشیدن ریش مکروه است. در جای دیگر، «شافعی» بر حرام نبودن تراش ریش تصریح نموده و معتقد است که تراش ریش کراهت دارد ولی حرام نیست (البخیرمی، ۱۴۱۷، ۵: ۲۶۱).

۲. مذهب حنفی

دیدگاه مذهب حنفی با مذهب شافعی متفاوت است و عالمان احناف تراشیدن ریش را حرام می دانند. عالمان حنفی معتقد اند که بر اساس سنت، طول ریش بیش از یک قبضة دست نباشد، بلکه درازی بیش از یک قبضه دست (بیش از یک مشت) باید کوتاه و اصلاح گردد.

«تراشیدن ریش مرد حرام است و سنت بر این است که ریش نباید بیش از یک قبضه دست باشد و مازاد از قبضه دست باید کم گردد» (الجزیری، ۱۴۲۴، ۲: ۴۴).

در باره اصلاح و کم نمودن سبیل یا بروت طبق سنت، نیز اندکی تفاوت در



فقه دو مذهب مشاهده می‌شود. مذهب حنفیه علاوه بر اصلاح، تراش آن را نیز جزء سنت شمرده است. در جای دیگر به مناسبت تراشیدن موی سر در اعمال حج به این موضوع اشاره نموده، سپس عقیده شافعیان را نقد کرده است که مذهب شافعی در حج علاوه بر تراش موی سر، تراش یا کم نمودن مقداری از ریش را نیز قائل است. علت حرمت تراش ریش در مذهب حنفی با تمسک به روایتی دو چیز است: یکی، «مُثْلَه» (قطع عضو بدن) و دیگری: «تشبیه به مسیحیان» (الکاشانی، ۱۴۰۶، ۲: ۱۴۱).

هرگاه شخص حج‌گذار موی سر را بتراشد نباید ریش خود را تراش کند و اینکه [مذهب] شافعی گفته - (حاجیان) علاوه بر تراش موی سر از ریش نیز مقداری برای خدا تراش نمایند - [این سخن درست نیست] و چیزی دیگر علاوه بر تراش سر بر حج‌گذار واجب نیست، چون (در حج) بخاطر نص، فقط تراش موی سر واجب است (نه تراش ریش). زیرا، تراش ریش مُثْلَه حساب می‌شود، بخاطر که خداوند مردان را با ریش مزین ساخته و زنان را باگیسوها تزین نموده است. این موضوع طبق روایتی است که بیان می‌دارد ملائکه‌ی وجود دارند که خداوند را این‌گونه تسبیح می‌نمایند: منزّه است پروردگاری که مزین ساخت مردان را باریش و زنان را باگیسوان و (نیز) حرمت تراش ریش بخاطر شباهت ریش تراش به مسیحیان است (همان).

بنابراین، به‌طور کلی می‌توان گفت حتی در مراسم حج نباید ریش به‌عنوان یکی از اعمال حج تراش گردد.

مذهب حنفی در بخش دیات نیز به این موضوع پرداخته و معتقد است اگر کسی نسبت به برده‌ی نقص و ضرر وارد کند باید دیه‌ی آن را بپردازد. در مورد تراش ریش یا موی سر برده در صورتی که مورشد نکند به کلام امام علی (ع) استناد نموده و سخن مذهب شافعی و مالکی را که قائل به عدم وجوب دیه اند، مردود دانسته است (ابن نجیم، بی‌تا: ۸/۳۷۷).

بنابراین، روایت امام علی (ع) که مورد استناد فقیه حنفی جهت ثبوت دیه‌ی تراش



موی سر قرار گرفته در صورتی که موی سر رشد نکند، ولی حرمت تراش ریش، منطوق روایت نبوده و بر حرمت تراش ریش تصریح نشده است.

به هر حال، وجود ریش در زینت بودن برده خالت دارد لذا می‌توان گفت که تراش ریش همچون تراش موی سر در صورتی که رشد نکند دیه دارد که روایت امام علی (ع) به طور ضمنی شامل آن می‌شود؛ در نتیجه حرمت ریش تراشی با قیاس به ثبوت دیه برای تراش موی سر، از روایت مذکور فهمیده می‌شود.

به دلیل اینکه تراش ریش همچون تراش موی سر، باعث زایل شدن زینت طبیعی مرد می‌شود؛ در صورتی که دیه ثابت شود، حرمت تراش ریش به طریق سزاوار و اُولَوِّیَّت، ثابت می‌شود.

۳. مذهب مالکی

حکم ریش تراشی در مذهب مالکی مانند مذهب حنفی تحریم تراش آن است، با این تفاوت که مطابق دیدگاه مذهب مالکی تنها اصلاح شارب جزء سنت شمرده است. اما تراش آن نه تنها جزء سنت به شمار نمی‌آید، بلکه براساس برخی آراء تراش شارب همچون تراش ریش حرام شمرده شده است.

«تراشیدن ریش حرام بوده و کوتاه نمودن سبیل (بُرُوت) سنت است» (الجزیری، ۱۴۲۴، ۲: ۴۴).

مذهب مالکی به فتوای حرمت اکتفا نکرده، بلکه از نظر این مذهب ریش تراش باید تأدیب گردد. حتی از دیدگاه برخی فقیهان مالکی، ریش تراشی و تراش موی سر هر دو بدعت به شمار می‌آید (ابن ناجی، ۱۴۲۸، ۲: ۴۵۳).

تراشیدن ریش و سبیل بر مرد، حرام می‌باشد و فاعل آن (ریش تراش) باید تأدیب گردد، ولی تراشیدن «ریش و شارب» بر زن واجب است (علیش، ۱۴۰۹، ۱: ۸۲).

۴. مذهب حنبلی

مذهب حنبلی نیز بر حرمت تراش ریش فتوا داده است، اما اصلاح و کوتاه کردن ریش که زیاده‌تر از قبضه دست باشد از نظر این مذهب اشکال ندارد، همچنانکه



اصلاح و کوتاه نمودن ریش را مانند بلند گذاشتن آن مکروه ندانسته است. اصلاح و کوتاه نمودن خیلی زیاد سبیل را جزء سنت شمرده و کندن موی سفید [صورت] را مکروه شمرده است؛ ولی کم کردن زیاد شارب نزد آنها جزء سنت حساب می شود (الجزیری، ۱۴۲۴، ۲: ۵۲).

در بحث احیاء زمین موات، مذهب حنبلی بعد از ارجاع تحقق احیاء به عرف و شرایط زمان، عرف را در شریعت معتبر دانسته است، با این شرط که عرف در تقابل و مخالف شرع نباشد. هرگاه با شرع در تضاد باشد ارزش و اعتباری ندارد آنگاه عادت و عرف ریش تراشی را از قبیل عرف و عادات مخالف شرع بر می شمارد و آن را غیر معتبر می داند.

اگر تراش ریش (جزء) عادت (و عرف جامعه) گردد نمی گوئیم تراش ریش جایز است، به خاطر این که مردم بر آن عادت کرده است، زیرا عرف و عادت جامعه زمانی معتبر است که مخالف شرع نباشد (الشنقیطی، بی تا، ۴/ ۳۸۷ دروس صوتی).

مذهب حنبلی در پاسخ این سؤال که آیا گناهان کوچک به گناهان بزرگ تحول می یابد یا خیر؟ پاسخ مثبت داده و معتقد است که کوچک شمردن هرگناهی از جمله ریش تراشی به گناه کبیره ارتقاء می یابد. هرچند که با استغفار و توبه قابل جبران است.

آیا گناهان کوچک به گناهان بزرگ تحول می یابد یا خیر؟ و اصرار بر تراشیدن ریش گناه کبیره محسوب می گردد؟ (جواب این پرسش ها را با استناد به سخن ابن عباس این گونه ارائه نموده است) از ابن عباس نقل شده که با اصرار برگناه (گناه دیگر) صغیره نیست (بلکه کبیره است). اما با استغفار، (گناه) کبیره نیست، پس کسی که بر گناهان صغیره اصرار ورزد معنایش این است که وی گناه را کوچک و سبک شمرده است، هرگاه گناه را اندک و کوچک بشمارد، گناه کبیره می گردد. زیرا او کوچک شمردن آنچه را که خدا حرام کرده واز آن نهی نموده است و از این جهت است که استمرار بر تراشیدن ریش با اعتقاد به اینکه این کار گناه اندک و کوچک است بدون شک با استمرار و با کوچک شمردن آن به گناه کبیره تبدیل می گردد، که جز با توبه بخشیده نمی شود (ابن جبرین، بی تا).



در جای دیگر مذهب حنبلی قطع عضو بدن انسان را در صورتی که به قطع آن ضرورت نداشته باشد حرام شمرده و حرمت تراش ریش را نیز از این قبیل اعلام نموده است (همان).

در صورتی که انسان به قطع اعضاء جسم خود ضرورت نداشته باشد، قطع آن حرام است، و مزد گرفتن از آن نیز صحیح نیست و مانند آن است تراشیدن ریش (که بدون ضرورت، تراش آن حرام است) و مزد گرفتن از آن (نیز) درست نیست.

بررسی آراء فقیهان تشیع و تسنن

باتوجه به آراء و نحوه استدلال مذاهب چهارگانه‌ی تسنن در باره حرمت تراشیدن ریش یا عدم آن، این نکته به دست می‌آید که پاسخ این مذاهب راجع به پرسش ریش آری یا نه؟ یکسان نبوده؛ اکثر مذاهب تسنن بر حرمت تراش ریش استدلال نموده ولی ریش تراشی از نظر اکثر فقیهان مذهب شافعی مکروه است.

اغلب فقیهان تشیع با استناد به دلائل نقلی و عقلی بر حرمت ریش تراشی استدلال نموده اند، بخصوص آراء مجتهدان معاصر که به صورت فتوا و استفتاء ارائه شده، اما دلائل حرمت این مسئله در آراء آنان اظهار نشده است.

عالم‌ان مذاهب چهارگانه سنی در جواب پرسش فوق بیشتر به دلائل نقلی توجه نموده و معمولاً به نقل روایاتی که با دلالت منطوقی از توفیر و زیاد نمودن ریش سخن گفته بسنده نموده اند؛ اما ممنوعیت تراش ریش از طریق مفهوم التزامی چنین روایاتی استفاده شده است.

۱. بررسی حرمت تراش ریش در مذاهب تسنن

باتوجه به آنچه گذشت می‌توان گفت، عالم‌ان مذاهب چهارگانه‌ی تسنن که قائل به حرمت تراش ریش شده اند حکم حرمت را از مفهوم روایاتی که دستور به گذاشتن آن داده است به دست آورده اند. دستور به «اعفاء» و زیاد نمودن ریش بیش از حرمت تراش آن در روایات به چشم می‌خورد این موضوع در احادیث اهل سنت به طور آشکار بیان شده است. اکنون برخی از این روایات که شیوة دستوری و امر بر گذاشتن



و زیاد نمودن ریش دارد در این جا بیان می گردد.

۱. ... عن أبي هريرة و ابن عمر... عن رسول الله (ص) «أعفوا اللحى واحفوا الشوارب».
- (أَبُو يَعْلَى، ۱۴۰۴، ۱۰: ۱۰۵).
۲. «... أَرْخُوا اللّٰحَى ...».
۳. «... ارجوا اللّٰحَى ...».
۴. «أَوْفُوا اللّٰحَى ...».
۵. وَجَاءَ فِي رِوَايَةِ الْبُخَارِيِّ: «وَقَرُّوا اللّٰحَى ...» (الْبُخَارِي، ۱۴۰۷، ۵: ۲۲۰۹).
۶. «أعفوا اللحى و جزوا الشوارب و غيروا شيبكم و لا تشبهوا باليهود و النصارى» (الالبانى، بی تا، ۵: ۳۹۴).

باتوجه به منطوق این روایات، که باشیوة دستوری و امری بیان شده است، حکم ریش گذاشتن از واژگان «أَعْفُوا، أَوْفُوا، أَرْخُوا، أَرْجُوا وَ وَقَرُّوا» که در این روایات مشاهده می شود، به دست می آید.

به هر حال، واژگان مذکور به معنای ریش گذاشتن است که مستلزم اجتناب ریش تراشی می باشد. به تعبیر دیگر، منطوق روایات فوق بیانگر، ریش گذاشتن و ازدیاد آن بوده، ولی مفهوم آن ها نشانگر اجتناب از تراش ریش است. زیرا، لازمه ی، ریش گذاشتن، نتراشیدن آن است.

بنابراین، در تبیین روایات به این مقدار بسنده نشده بلکه واژگان امر مانند (أَعْفُوا) بیانگر ریش گذاشتن بوده که وجوب زیاد نمودن ریش از طریق ملازمة عدم تراش آن به دست می آید (محرى الدين، ۱۴۲۳: ۱۵).

۲. ارزیابی قرائت مذاهب تسنن در مورد روایات

قائلان حرمت تراش ریش (مخالفان ریش تراشی) به روایات متعددی تمسک نموده و با پیش فرض های ذهنی خویش آن ها را تبیین نموده اند. مشکل عمده این است که اغلب عالمان دینی معتقد به حرمت تراش ریش با استناد به روایات ضعیف، حرمت تراش ریش را نتیجه گرفته اند. باتوجه به ضعف سند برخی از این روایات که دیگر



محققان سنی، اظهار نموده اند (الألبانی، بی تا: ۵/۳۹۴) و وجود روایات مخالف روایات فوق که تراش ریش را جایز دانسته (محبی الدین، ۱۴۲۳: ۹). حکم حرمت تراش ریش با چالش مواجه است.

بنابراین، معتقدان حرمت ریش تراشی با آندسته روایاتی که امر به ریش گذاشتن نموده، پاسخ قانع کننده به موافقان تراش ریش یا قائلان جواز تراش، ارائه نکرده اند. از سوی دیگر هردو دسته از روایات (که حکم حرمت تراش ریش و جواز تراش آن را بیان نموده) از ابوهریره و ابن عمر نقل شده است، در سند روایاتی که از حرمت تراش ریش خبر داده، هیچ ایراد و خدشه‌ای از سوی قائلان حرمت تراش ریش ارائه نگردیده در حالی که در سند روایاتی که بیانگر جواز تراش ریش است، همین گروه حجیت سخن راویان را مورد تردید قرار داده و حجیت سخنان آنان را مردود دانسته اند (همان، ۱۳).

تناقض گوئی معتقدان حرمت تراش ریش در مورد اعتبار یا عدم اعتبار روایاتی که از نظر اغلب آنان معتبر است استنباط حکم حرمت تراش ریش را از روایات با چالش مواجه نموده، از این رو، لازم است دلائل متقن و دقیق تری ارائه نمایند.

۱-۲. تلازم ریش داشتن معصومین با حرمت تراش ریش

قائلان حرمت ریش تراشی می توانند دلیل دیگری را با پشتوانه برخی از آیات قران ارائه نمایند و با تبیین ملازمة پیروی از رسول خدا و اهل بیت آنحضرت (ع) که ریش داشتند، حرمت تراش ریش را به صورت معقول استدلال نمایند. تعدادی از آیات به عنوان نمونه در این زمینه ارائه می گردد.

۱. «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظًا» (نساء، ۸۰).
۲. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب، ۲۱).

۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...» (نساء، ۵۹).

آیات فوق که به عنوان نمونه ذکر شدند به اطاعت خداوند، پیامبر و اهل بیت وی ارشاد نموده و ارتباط این آیات با حکم حرمت تراش ریش زمانی معنا دارد که سیره



عملی آن بزرگواران مورد توجه قرار گیرد و از طریق حجیت قول و عمل معصومین (ع) مدعای حرمت تراش ریش پشتوانه استوار خواهد داشت.

بنابراین، طبق گواهی تاریخی پیامبر (ص) و ائمه‌ی معصوم (ع) به عنوان اهل بیت ایشان ریش داشته اند؛ لذا آیات مذکور که به اطاعت و پیروی پیامبر (ص) دعوت نموده با اطاعت صاحبان امر که ائمه‌ی معصوم باشند، اطاعت خدا و رسولش پیوند داده شده است. اطاعت و الگو قرار دادن آن‌ها که به طور عام بیان شده در همه شئون زندگی از جمله ریش گذاشتن می‌تواند مورد استناد واقع شود.

براین اساس، استدلال و جوب ریش گذاشتن بر اطاعت پیامبر (ص) و اهل بیتش (ع) استوار است که حرمت تراش آن از طریق ملازمه به دست می‌آید. علاوه بر این، وجود روایات صحیحیه طبق گفته متخصصان فن روایی نسبت به استدلال حرمت تراش ریش کافیهست که نباید باتمسک به روایات ضعیف همی روایات، ضعیف و بی اعتبار پنداشته شود.

۲-۲. آراء قائلان جواز ریش تراشی

همانطور که گفته شد در مورد حرمت تراش ریش، کراهت تراش و جواز آن در واقع سه دیدگاه متفاوت وجود دارد. یکی دیدگاه اکثر فقیهان که به حرمت تراش ریش قائل اند، دوم، دیدگاه مذهب شافعی که قائل به مکروه بودن تراش ریش است و دیگری دیدگاه قائلان جواز تراش ریش که برخی فقیهان معاصر نیز جزء آنان است.

در این قسمت دیدگاه قائلان جواز تراش ریش ارائه می‌گردد، برخی از محققان غیر فقیه به بررسی مبانی موضوع «حرمت تراش ریش» پرداخته تمامی روایاتی را که از پیامبر (ص) و اهل بیت در این زمینه نقل شده اند نه تنها ناتوان از اثبات حکم «حرمت تراش ریش» دانسته، بلکه جعلی بودن این اخبار را قطعی شمرده، دلایل حرمت تراش را انکار نموده و آراء فقیهان را بی اساس پنداشته است (صفوی، ۱۳۴۰: ۸).

فتوای برخی از فقیهان بر جواز تراش ریش، نیز با رأی موافقان ریش تراشی همخوانی دارد، هر چند فقیهانی که معتقد به جواز تراش اند روایاتی را که از گذاشتن



ریش سخن گفته در مرتبه اسفاضه می‌دانند و ریش داشتن را از علائم و نشانه مؤمنان شمرده‌اند. بنابراین، به نظر می‌رسد این دسته از فقیهان چنین روایاتی را حمل بر استحباب ریش گذاشتن نموده‌اند. آراء فقیهان قائل به جواز تراش ریش در ادامه بررسی می‌گردد.

۳. سیره معصومین در قرائت موافقان ریش تراشی

سیره عملی پیامبر و دیگر معصومان برای مسلمانان حجت و معیار عمل کارهای پسندیده است. بنابراین، لازم است مسلمانان سبک زندگی را انتخاب نمایند که مبتنی به روش و سیره عملی معصومین (ع) باشد. انتخاب سبک زندگی اسلامی از آیهی «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب، ۲۱) قابل استفاده است. با این وجود باید پرسید «آیا ریش گذاشتن جزء سیره و سبک زندگی معصومین (ع) به‌شمار می‌آید؟ پاسخ این سؤال از دیدگاه دو گروه قائل به حرمت تراش ریش و جواز تراش آن متفاوت است. معتقدان به جواز تراش ریش، علی‌رغم پذیرش سیره معصومین (ع) تفسیر خاصی از سیره و روش زندگی آن بزرگواران دارد. قائلان به جواز تراش ریش با استناد به آیهی مذکور، نخست سنت معصومین (ع) را از مدارک قطعی دانسته، پیروی و عمل نمودن به آن را بر هر فرد مسلمان در زندگی و اعمال روزانه لازم شمرده است، در عین حال تفسیر موافقان ریش تراشی از سنت معصومین (ع) متفاوت بوده و رویکرد موافقان را از قائلان حرمت تراشیدن ریش جدا ساخته است.

محققان غیر فقیه که قائل به جواز تراش است، سنت معصومین (ع) را به دو قسم: تغییرناپذیر و تغییرپذیر تقسیم نموده و معتقد است که تنها اطاعت و پیروی از سنت تغییرناپذیر لازم است، مانند عبادت‌های که پیامبر (ع) انجام داده و مخصوص آن حضرت بوده.

اما سنت تغییرپذیر معصومین (ع) که تابع مقتضیات زمان (و وابسته‌ی عرف مردم هر دوره و زمان) است، اهمیت ندارد و عمل به چنین سنتی الزامی نیست. مسائل اجتماعی، آداب معاشرت پیامبر (ص) و مسائل خانوادگی معصومین (ص) سنت تغییرپذیر بوده و مسلمانان ملزم به پیروی از آن نمی‌باشند. از اینرو، به عقیده قائلان



جواز ریش تراشی، ریش گذاشتن پیامبر (ص) و دیگر معصومین (ع) براساس عرف رایج عرب قبل از اسلام و بعد از آن بوده، الگو گرفتن از این نوع رفتار یا سنت عملی معصومین (ع) الزامی نیست.

دلیل نویسنده‌ی غیر فقیه در مورد ادعای سنت تغییر پذیر که تابع عرف و مقتضای زمان می‌باشد، قربانی حج است که در آن اشعار و خونی نمودن کوهان شتر، تقلید یا آویزان کردن لنگه کفش بگردن قربانی شرط و جزء سنت پیامبر است.

در حالی که اجرای این سنت در مناطق سرد سیر (مانند: سیبری روسیه یا مناطق قطبی) غیر ممکن است، بنابراین لازم نیست که حتماً نعلین از لیف خرما باشد بلکه پوتین و غیره نیز کافیست زیرا اگر پا محفوظ نباشد [در مناطق مذکور] یخ می‌زند... پس این گونه دستورات [و سنن] تابع مقتضیات محل بوده و حکم تابع عقل مکلف است که طبق اقتضای محیط تشخیص دهد... در نتیجه سنت ریش گذاشتن، سنتی نیست که پیروی از آن برای همیشه لازم باشد، [بنابراین] باکمال اطمینان می‌توان گفت که هیچگونه حکمی صریح و دستور که حاکی از حرمت ریش تراشی باشد از هیچ مقامی نرسیده و نظر اسلام در این موارد همان نظر عرف جامعه است (صفوی، ۱۳۴۰: ۶۲-۶۴)

لازمه‌ی نگرش مذکور در مورد جواز تراش ریش به عنوان سنت تغییر پذیر این است که شرائط محیط و زمان نسبت به قوانین اجتماعی و دینی شرط مؤثر است؛ تغییر شرائط زمان در جامعه باعث تغییر قوانین اجتماعی و دینی می‌گردد. در نتیجه، اگرچه ریش گذاشتن جزء سنت معصومین (ع) بوده، اما با تغییر شرائط زمان کنونی که ریش تراشی رایج گشته، عمل به سنت تغییر پذیر معصومین الزامی نیست و سنت ریش گذاشتن به تبع شرائط زمان به عرف رایج ریش تراشی تغییر کرده است.

برخی از فقیهان معاصر که قائل به جواز تراش ریش است جزء موافقان ریش تراشی قرار می‌گیرد، با این تفاوت که فقیهان قائل به جواز روایاتی را که ریش تراشی را ممنوع نموده، قبول دارند، ولی این روایات را حمل بر استحباب خواهد نمود. برخی از آنان، جانب احتیاط را برگزیده علی‌رغم تمایل بر جواز تراش ریش، فتوای بر جواز آن ارائه



نکرده است. برخی دیگر، در عین حال که جواز تراش ریش را اقوی شمرده ریش داشتن را نشانه شخص مؤمن شمرده است. از این رو، صحت روایاتی که ریش تراشی را ممنوع نموده، مورد قبول فقیهان قائل به جواز تراش ریش است. با توجه به این که آنان چنین روایاتی را توجیه یارده نکرده اند، صحت روایاتی که منطوقاً یا مفهوماً ریش تراشی را ممنوع شمرده اند، تقویت می گردد.

۴. آراء فقیهان قائل به جواز ریش تراشی

آیت الله منتظری و آیت الله فضل الله از فقیهان معاصر در مورد حکم حرمت تراش ریش که توسط مشهور فقیهان ارائه شده است، تردید نموده اند. هر چند آیت الله منتظری در نهایت جانب احتیاط را رعایت کرده و جایز نبودن ریش تراشی را ترجیح داده است (منتظری، ۱۳۸۷: ۱۲). آیت الله فضل الله ریش گذاشتن را جزء شعائر و نشانه ایمان شخص شمرده و جواز تراش آن را خالی از اشکال دانسته و معتقد است که سزاوار نیست انسان مؤمن ریش خود را بتراشد (فضل الله، ۲۰۱۵: ۲/۲۰۴). ایشان حکم حرمت تراش ریش را که آراء اکثر فقیهان است براساس احتیاط دانسته و خلاف این حکم که جواز تراش ریش باشد قوی تر از آن بر شمرده و بر جواز تراش فتوا داده است (همان، ۲۰۴).

حکم به حرمت تراش ریش براساس احتیاط است و حکم جواز تراشیدن ریش بطور مطلق (مقداری از ریش یا همه‌ی آن) دارای روش و طریق پسندیده است.

۵. نقد آراء مخالفان و موافقان ریش تراشی

نخست دلایل معتقدان حرمت تراش ریش مورد بررسی قرار می گیرد، سپس آراء قائلان جواز ریش تراشی ارزیابی خواهد شد.

۵-۱. اغلب روایات پیامبر (ص) که به عنوان دلیل توسط قائلان حرمت تراش ریش ارائه شده از منابع اهل سنت نقل شده و ضعیف السند هستند. اضافه بر این، روایات معارض در مقابل روایاتی که ریش تراشی را ممنوع نموده، اثبات حکم حرمت تراش ریش را با چالش مواجه نموده است.



۲-۵. روایاتی که از طریق اهل بیت (ص) نقل شده و از کندن موی سفید صورت نهی نموده است شامل تراشیدن ریش نمی شود. زیرا امکان دارد فلسفه‌ی ممنوعیت کندن موهای سفید صورت به خاطر نابودی موهای سفید، یا ضرر رساندن به پوست صورت باشد که با تراشیدن این مشکل پیش نخواهد آمد.

۳-۵. سیره متشرعه در مورد ریش تراشی نیز دلیل مهم به حساب نمی شود، زیرا اکثر مسلمین تعبدی و بدون دلیل ریش می گذارند و برخی دیگر نیز با تمسک به روایات ضعیف، در گذاشتن ریش برخلاف روایاتی که دستور به اصلاح ریش داده است افراط می نمایند.

۴-۵. به نظر می رسد سیره‌ی عملی رسول خدا (ص) و اهل بیت آن حضرت (ص) و اولیاء خدا، و اجماع نظر آگاهان دینی، دلیل قانع کننده‌ی قائلان حرمت ریش تراشی به شمار آید.

دلایل قائلان جواز تراش ریش که حرمت آن را انکار نموده، نیز از جهات مختلف قابل مناقشه است.

أ. قائلان به جواز ریش تراشی به روایاتی که بر حرمت تراش ریش تصریح نکرده و نیز روایاتی که سندش مورد مناقشه است استدلال نموده سپس نتیجه‌ی کلی جواز ریش تراشی را نتیجه گرفته است.

علی رغم غیر منطقی بودن چنین نتیجه‌ی، استقرای ناقص نیز حساب می شود و مورد اطمینان نیست. به هر حال، وجود روایات معتبر و صحیح السند در مورد حرمت ریش تراشی از استناد به روایات ضعیف بی نیاز می سازد.

أ. سنت «تغییر پذیر» معصومین (ع) که تابع شرایط جامعه باشد قابل قبول نیست؛ زیرا گزاره‌های دینی، فقیهان و کارشناسان دینی از آن سخن نگفته اند. قربانی و اعمال حج به عنوان دلیل جواز ریش تراشی نه تنها مدعای معتقدان جواز ریش تراشی را اثبات نمی تواند، بلکه قیاس غیر منطقی است که با موضوع ریش تراشی ارتباط ندارد.

زیرا که اشعار و تقلید قربانی تنها در مکه به عنوان یکی از اعمال آن انجام می شود،

نه در مناطق یخبندان قطبی که کفش گرم لازم باشد، آنگاه نبود نعلین زمان معصومین (ع) در عصر حاضر، دلیل بر نبود چنین سنتی دانسته شود.

ج. اثبات ریش داشتن پیامبر (ص) به خاطر عرف رایج عرب‌ها و تبعیت از شرایط زمانی و مکانی آن زمان، ادعای بدون دلیل است که موافقان ریش تراشی دلیلی بر این ادعای خود ارائه نکرده اند.

گفتار و عملکرد پیامبر (ص) (و دیگر معصومین (ع) به عنوان اوصیاء معصوم پیامبر) مطابق رهنمود قرآن کریم منطبق با وحی الهی بوده و از خود در مورد هدایت بشر چیزی نگفته است: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (نجم، ۳-۴). از این رو، ملاک قراردادن محیط و شرایط جامعه و توجیه رفتار و اعمال پیامبر و دیگر معصومین (ع) را مطابق عرف جامعه، مخالف رهنمود قرآن کریم بوده و بیانگر ناآشنائی چنین تفکری با قرآن و سنت معصومین (ع) است.

۶. مسائل اجتماعی ریش تراشان و تعامل با آنان

افراد جوامع بشری از جمله مسلمانان به طور کلی به دو گروه طرفداران ریش تراشی و مخالفان ریش تراشی تقسیم می‌شوند. برداشت‌های درست یا نادرست عموم مردم در این زمینه قابل انکار نیست. اغلب مردم به اصطلاح دانش فقه، «مُتَشَرَّعَه» (مسلمانان) به افراد ریش دار دید مذهبی دارند و از نگاه آنان ریش داران معمولاً افراد متدین اند.

با این وجود باید پرسید:

۱. مسلمانان با اینکه دید مذهبی به ریش داران دارند چرا خود، ریش می‌تراشند؟

۲. باتوجه به نظریه حرمت تراش ریش، حکم تعامل با ریش تراشان چیست؟

۳. تولید ابزار ریش تراشی، خرید و فروش و استفاده‌ی آنها چه حکمی دارد؟

پاسخ پرسش‌های فوق در دو محور کلی بررسی خواهد شد. نخست این که باتوجه به تاریخ اسلام، ریش گذاشتن و اجتناب از تراش آن اقتداء به انبیاء و ائمه معصومین (ع) به شمار می‌آید؛ از عصر رسالت پیامبر اسلام (ع) تاکنون تراش ریش بین مسلمانان امر مُنْکَر و قَبیح بوده است.



ارتباط مسلمانان با کشورهای غیر اسلامی و برتری صنعت این کشورها سبب شده است که اغلب مسلمانان تحت تاثیر فرهنگ مبتذل آنان قرار بگیرند. بنابراین، فرهنگ ریش تراشی مانند دیگر آداب و رسوم غیر اسلامی در میان مسلمانان رایج شده است. در مورد تعامل با ریش تراشان، لازم است آراء و فتاوی کارشناسان دینی ملاحظه گردد. باتوجه به اینکه اغلب فقیهان از حرمت تراش ریش سخن گفته اند، نحوه‌ی تعامل با ریش تراشان در گرو فتاوی مراجع تقلید می باشد. اگر مرجع تقلید ریش تراش قائل به حرمت تراش باشد، احکام ذیل براساس فتاوی مرجع تقلید شخص مکلف معین می گردد.

حکم به فسق ریش تراش و ترتب آثار فسق از قبیل مردود دانستن شهادت وی، جواز غیبت ریش تراش و نیز حکم حرمت یا جواز درآمد از طریق ریش تراشی (مانند آرایشگاه‌ها که معمولاً ریش نیز می تراشند). همچنین حکم تولید ابزار ریش تراشی، خرید و فروش و استفاده از ابزار ریش تراشی، مطابق فتاوی مرجع تقلید ریش تراش، تعیین می گردد.

همانطور که گذشت برخی از مراجع تقلید، ریش تراش را فاسق می داند که آثار فسق نیز بر آن مترتب خواهد شد؛ براین اساس، در جای که نیاز به شهادت عادل باشد، شهادت ریش تراش قبول نخواهد شد. ریش تراشیدن حرام است همچنانکه اجرت گرفتن از آن حرام می باشد، ولی هرگاه ریش تراشیدن سبب تمسخر جدی گردد بگونه‌ی که نزد عقلاء قابل تحمل نباشد، تراش آن جایز است (خوئی، بی تا: مسئله ۴۳).

بنابراین احتیاط خرید و فروش ابزار تراشیدن ریش و دادن ابزار برای دیگران، حرام است و مصرف اموال دولت برای خرید آنها، بخاطر به کارگیری تراشیدن جایز نمی باشد بلکه (اموال دولتی اگر صرف ریش تراشی گردد) ضمانت دارد (خامنه‌ی، ۱۳۸۱: ۳۳۹).

در برخی از فتاوی فقیهان معاصر درآمد شخص ریش تراش (مانند آرایشگران مردانه) از طریق ریش تراشی حرام شمرده شده است. همچنانکه خرید و فروش ابزار



ریش تراشی را حرام شمرده؛ زیرا واژه‌ی «شراء» در آراء فقیهان شامل هریک از خرید و فروش ابزار ریش تراشی می‌گردد؛ لذا، ارائه‌ی ابزار ریش تراشی به دیگران مشمول حکم حرمت می‌شود.

فتوای آیت‌الله محمد صادق روحانی نیز با حکم حرمت اجرت گرفتن از ریش تراشی، همخوانی دارد (روحانی، ۱۳۸۵: ۸۰). به‌طورکلی دو فقیه معاصر آیت الله خامنه‌ی و آیت الله جویباری شخص ریش تراش را فاسق شمرده و آثار فسق را نیز بر آن مترتب می‌دانند (خامنه‌ی، ۱۳۸۱: ۳۱۵).

«کسی با علم به حرمت تراشیدن آن، اصرار بر آن دارد فاسق به شمار می‌رود اگرچه به احکام دیگر اسلام عمل کند غیبت در باره‌ی او حرام نیست... و شهادت ریش تراش (با علم به حرمت) در مواردی که عدالت شرط باشد قبول نمی‌باشد...» (جویباری، ۱۴۲۱: ۶۲-۶۳).

بنابراین، به‌طورکلی نمی‌توان حکم به فسق ریش تراشان نمود و آثار فسق را بر تعاملات اجتماعی آنان (مانند مردود شمردن شهادت ریش تراش) بار نمود. بلکه حکم فاسق بودن یا فاسق نبودن ریش تراش با توجه به فتوای مرجع تقلید ریش تراش قابل بررسی می‌باشد. به‌عنوان نمونه فتوای دیگر مجتهد معاصر، مخالف حکم فاسق شمردن ریش تراش بوده و غیبت ریش تراش را منع نموده است. از جمله آیت الله مکارم غیبت ریش تراش را جایز ندانسته است.

دیدگاه برخی از محققان تسنن، موافق فتاوی فقیهان شیعی مخالف تراش ریش است که هریک ریش تراش را به‌خاطر مخالفت با روایاتی که دستور به ریش گذاشتن داده، فاسق می‌دانند.

ریش تراشیدن حرام است و انجام دهنده‌ی آن (ریش تراش) به‌خاطر مخالفتش با احادیثی که به‌زیاد نمودن ریش دستور داده اند، فاسق به‌شمار می‌آید. اصرار به ریش تراشی جزء گناهان کبیره است (محمی الدین، ۱۴۲۳: ۵۶-۵۸).



نتایج

- ۱- روایاتی که به ریش گذاشتن و زیاد نمودن آن دستور داده اند مستلزم حرمت تراش ریش است.
- ۲- ادعای اجماع عالمان بزرگ دینی مانند شیخ بهائی، علامه بلاغی و دیگران به حرمت تراش ریش، بیانگر حکم تحریم ریش تراشی است.
- ۳- فتاوی فقیهان بزرگ دینی (قرن هفتم و هشتم) و فقیهان معاصر شیعه در مورد اجتناب از تراش ریش، نشانگر حکم تحریم ریش تراشی است.
- ۴- آراء مذاهب سه گانه ی اهل سنت بر گذاشتن ریش و حرمت تراش آن، بیانگر حرمت ریش تراشی است.
- ۵- روایات مشترک سنی و شیعه که به حرمت تراش ریش تاکید دارند.
- ۶- روایت امام صادق (ع) که حدود ریش را تعیین نموده و طول ریش را به اندازه ی قبضه دست دانسته است نه بیش از آن، دلیل دیگری بر حرمت ریش تراشی است. در حالی که در این روایت و دیگر اخبار هیچ سخنی از جواز تراش به چشم نمی خورد. بنابراین، اگر تراش ریش جایز بود، علاوه بر اصلاح ریش، جواز تراش آن نیز اشاره می شد؛ یا مکلف را نسبت به اصلاح یا تراش آن مخیر می گذاشت یا این که اصلاح آن را ترجیح می داد.
- ۷- حجیت سیره ی پیامبران الهی و سیره ی نبی خاتم (ص)، اهل بیت آن حضرت (ع) و دیگر اولیاء الهی بیانگر ریش داشتن آن راهنمایان الهی بوده که مستلزم حرمت تراش ریش است.
- ۸- عقل سلیم حکم می کند ریش در آوردن جزء طبیعت مردان است که براساس نظام احسن آفرینش خالق حکیم صورت گرفته و تراش آن برخلاف حکمت آفرینش خواهد بود و جنبه ی حرمت آن تقویت می شود.
- ۹- باتوجه به روایاتی که فلسفه ریش گذاشتن را مبتنی بر فطرت مردان دانسته است و نیز ارشاد و راهنمایی رسول خدا (ع) و اهل بیت ایشان نسبت به اصلاح ریش و تعیین اندازه آن، حرمت تراش ریش تقویت می شود.

فهرست منابع

القرآن الكريم.

١. ابن ابی جمهور احسائی (١٤٠٥ ق)، عوالي اللآلي، قم: سيد الشهداء.
٢. ابن أبي جمهور الاحسائي (١٤١٠ هـ) الاقطاب الفقهية، قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشي.
٣. ابن حجر الهيتمي، احمد (١٣٥٧ هـ) تحفة المحتاج في شرح المنهاج، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
٤. ابن منظور، محمد (١٤٠٩) لسان العرب. قم: ادب الحوزة.
٥. ابن ناجي التنوخي، قاسم (١٤٢٨) شرح ابن ناجي التنوخي على متن الرسالة لابن أبي زيد القيرواني، بی جا، بی نا.
٦. ابن جبرين (بی تا) شرح أخصر المختصرات، الرياض، دروس صوتية، بی جا: موقع الشبكة الإسلامية.
٧. ابن نجيم، زين الدين (بی تا) البحر الرائق شرح كنز الدقائق، بيروت: دار المعرفة.
٨. ابوزكريا، حلي، يحيى بن سعيد (١٤٠٥) الجامع للشرائع، قم: مؤسسه سيد الشهداء.
٩. أبوزكريا، يحيى (١٤٠٨) المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج، بی جا: موقع الإسلام.
١٠. أبويعلى، احمد، (١٤٠٤) مسند أبي يعلى، ج ١٠، دمشق: دار المأمون للتراث.
١١. استادي، رضا (١٤١٥) الرسائل الاربعه عشرة، قم: مؤسسه النشر الاسلامي.
١٢. الالباني، محمد ناصرالدين (بی تا) صحيح وضعيف الجامع الصغير، الإسكندرية: مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة.
١٣. الألباني، ناصرالدين، محمد (١٤٠٩) امام المنة في التعليق على فقه السنة، بی جا: المكتبة الإسلامية، دار الراية.
١٤. _____ (١٤١٣) جلباب المرأة المسلمة في الكتاب والسنة، عمان: المكتبة الإسلامية.
١٥. _____ (بی تا) صحيح وضعيف الجامع الصغير، بی جا: المكتب الإسلامي.



۱۶. البُجَيْرِمِي الشافعي، سليمان (۱۴۱۷) تحفة الحبيب على شرح الخطيب، بيروت: دار الوفاء.
۱۷. البحراني، يوسف (بی تا) الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، قم: مؤسسة النشر الاسلامي.
۱۸. البخاري، محمد (۱۴۲۰) صحيح بخاري، ج ۷، بيروت: دار الوفاء.
۱۹. _____ (۱۴۰۷) الجامع الصحيح المختصر، بيروت: دار ابن كثير، الطبعة الثالثة.
۲۰. _____ (بی تا) الأحاديث المرفوعة من التاريخ الكبير، بی جا: موقع الاسلام.
۲۱. بهجت، محمد تقي (۱۳۸۵) توضيح المسائل، قم: دفتر آیت الله بهجت.
۲۲. الجزيري عبدالرحمن (۱۴۲۴) الفقه علي مذاهب الاربعه، بيروت: دار الكتب العلمية.
۲۳. الحلبي، يحيى بن سعيد (۱۴۰۵) الجامع للشرايع ج ۱، قم: مؤسسة سيد الشهداء العلمية.
۲۴. خامنه‌ی، علی (۱۳۸۱) اجوبة الاستفتاءات، تهران: شركت چاپ و نشر بين الملل.
۲۵. خميني، روح الله (۱۳۷۱) استفتاءات، تهران: نشر آثار امام خميني.
۲۶. خوئي، ابوالفاسم (بی تا) منية السائل، بيروت: دار المجتبى.
۲۷. رستگاري جويباري، يعسوب الدين (۱۴۲۱) توضيح المسائل، قم: دفتر آیت الله يعسوب الدين.
۲۸. روحاني محمد صادق (۱۳۷۹) منهاج الصالحين، قم: دفتر آیت الله محمد صادق.
۲۹. الشنقيطي، محمد، (بی تا) شرح زاد المستقنع، (دروس صوتية رقم الدرس ۳۸۷)، بی تا: موقع الشبكة الإسلامية.
۳۰. الشهيد الاول، محمد بن مكي (بی تا) العاملي، القواعد والفوائد، بی جا: مكتبة المفيد.
۳۱. صدوق، محمد (۱۳۶۲) الخصال، قم: جامعه المدرسين.
۳۲. صدوق، محمد (۱۳۶۹) من لا يحضره الفقيه، بيروت: دارالكتب الاسلاميه.
۳۳. صفوي، حسن (۱۳۴۰) تهران: چاپخانه‌ی بانک کشاورزي.
۳۴. طريحي، فخرالدين (۱۳۷۸) مجمع البحرين، ج ۱، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامي.



٣٥. عlish، محمد (١٤٠٩) منح الجليل شرح مختصر خليل، ج١، بيروت: بي نا.
٣٦. فضل الله، محمد حسين (١٣٨٢) المسائل الفقيه، ناشر، بيروت: دار املاك.
٣٧. فيض كاشاني، محمد محسن (١٤٠٦) الوافي، ج٦، اصفهان: كتابخانه امام امير المؤمنين(ع).
٣٨. كليني، محمد (١٤٢٩) اصول كافي، قم: دار الحديث.
٣٩. الكاشاني، ابوبكر (١٤٠٦) بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، بيروت: دار الكتب العلمية.
٤٠. كاشف الغطاء، جعفر (١٤٢٢) كشف الغطاء عن مبهمات الشريفة الغراء، قم: بوستان كتاب.
٤١. مجلسي، محمد باقر (١٤٠٣) بحار الانوار، بيروت: دار الاحياء التراث العربي.
٤٢. محقق كابل، قربان علي (١٣٧٩) توضيح المسائل، قم: دفتر آيت الله محقق كابل.
٤٣. محي الدين، عبد الحميد (١٤٢٣) آراء العلماء في حلق وتقصير اللحية، بيروت: مؤسسة الكتب الاسلامي.
٤٤. منتظري، حسن علي (١٣٧٨) منية الطالب في حكم اللحية و الشارب، قم: تفكر.
٤٥. _____ (١٣٧٨) دراسات في المكاسب المحرمة، قم: تفكر.
٤٦. النجفي، محمد بن حسن، جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام، بيروت: دار الكتب الاسلاميه و احياء التراث.